

## **Interactions between Imam Ali (AS) and people in facing with Qasetins**

### **A study based on Nahj-al Balaghah**

**Mohammad Hadi Amin Naji<sup>\*</sup>, Mohammad Mahdi Jafari<sup>\*\*</sup>**

**Mozhgan Hami<sup>\*\*\*</sup>**

#### **Abstract**

Nahj-al Balaghah, a pattern of divine man's speech incorporates various types and templates of talking to God. Since Imam Ali (AS) paid special attention to admiration in diverse contexts, we have selected some of his praise expressions as the statistical society by which he used them to deal with people and his corps before they would face the Qasetins {Qasetins are said to have gone to war with Imam Ali (AS)}.

The praise expressions mentioned all across Nahj-al Balaghah are considered as speech actions which have been studied by descriptive-analytical method and also obtained from library sources. At first it seemed that these speech actions merely contain an interpretation and/or a single emotional aspect (thanksgiving), but after surveying the formal and superficial structure of the expressions, it became evident that each of his speech action holds multiple interpretations and aspects and that the Imam has made use of hidden and complex expressions to explain the meaning and encourage the reader.

\* Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Payame Noor University (Corresponding Author), aminnaji@pnu.ac.ir

\*\* Professor, Shiraz University, smjafari@rose.shirazu.ac.ir

\*\*\* PhD Candidate of Nahj al Balagheh, Payame Noor University, mozhgan.hami67@gmail.com

Date received: 2021/07/11, Date of acceptance: 2022/01/30



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

In applying this theory, one observes that emotional, persuasive and expressive actions have the highest frequency respectively and declarative and obligatory actions have not been used for the sole reason that praise expressions carry emotions. Imam Ali (AS) has always expressed his feelings on the Greatness of God, the attributes of Divine beauty and glory, and His unlimited blessings, which has the highest frequency.

The persuasive and declarative actions that were taken were meant to establish relations among his corps, to encourage them and give them fervor to face the enemy in the battlefield along with creating deep and correct knowledge of the corps about God, His Divine power, blessings, grace, favors, life, death and enemy have the highest frequency.

**Keywords:** praise, Nahj-al Balaghah, Qasetin, speech action

## بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی (علیه‌السلام)، با مردم و سپاهیان در مواجهه با قاسطین، با تکیه بر نهج‌البلاغه

محمد هادی امین ناجی\*

سید محمد مهدی جعفری\*\*، مژگان حامی\*\*\*

### چکیده

نهج‌البلاغه شامل قالب‌های متفاوت گفتگو با خداوند است. توجه امام علی (علیه‌السلام) به این مسئله، در بافت‌های گوناگون سخن، سبب شد تا عبارت تحمیدی امام در مواجهه با قاسطین به‌عنوان جامعه آماری برگزیده شود. عبارات تحمیدی نهج‌البلاغه کنش‌های گفتاری است که با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی آن پرداخته شد. در پژوهش مشخص شد که این کارگفت‌ها نه تنها در بردارنده تعبیر یا خوانش عاطفی است، که با گذر از ساختار صوری عبارات، هریک از کارگفت‌ها دارای تعابیر و خوانش‌های متعدد است که گوینده از ساختارهای نهفته و پیچیده عبارات برای تبیین معانی و اقناع مخاطب بهره برده است. چارچوب نظری این مقاله نظریه کنش‌گفتاری جان سرل (John Searle) است. با کاربردی این نظریه مشاهده شد کنش‌های عاطفی، ترغیبی، اظهاری پر بسامدترین کنش‌ها در عبارات تحمیدی نهج‌البلاغه است.

**کلیدواژه‌ها:** تحمید، نهج‌البلاغه، قاسطین، کنش‌گفتاری، جان سرل (John Searle)

\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث و نهج‌البلاغه، دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، aminnaji@pnu.ac.ir

\*\* استاد بازنشسته دانشگاه شیراز، smjafari@rose.shirazu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه پیام نور، mozhgan.hami67@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

توحید از اصول اساسی دین اسلام است. مطابق این اصل، یگانه آفریننده عالم و قادر جهان هستی خداوند است. از این رو در نهج‌البلاغه طرح مباحث توحیدی، به‌ویژه ارتباط و تعامل انسان در قالب گفتگو با پروردگار، اهمیت می‌یابد. آدمی برای وصول به گفتمان مطلوب با پروردگار نیازمند الگوهای کاربردی و به دور از خطا و اشتباه است، تا از این رهگذر بتواند گره از زبان خویش باز کند. نظریه کنش‌گفتاری در این حوزه می‌تواند نظام تحمید پروردگار را از زبان امام علی (علیه‌السلام) به عنوان معلم بشریت بازگو کند.

گفتمان توحیدی نهج‌البلاغه در گونه‌های متفاوت، نشان از توجه ویژه امام علی (علیه‌السلام) به این مسئله در بافت‌های مختلف دارد. عبارات تحمیدی در فراز و فرودهای نهج‌البلاغه و ضمن بافت‌های به ظاهر متباین، مترادف و متغیر، اصل ثابتی را از کنش‌گفتاری امام و اصول رفتاری ایشان دنبال می‌کند. این اصل در شرایط گفتمانی متنوع، کنش‌های گفتاری مختلفی را پدید آورده است که توجه به آن، درک کلام نهج‌البلاغه را افزون می‌گرداند. همنشینی تحمیدیه‌ها با عبارات پسین که گاه با هم‌آیی تسبیح یا دعا و طلب به کار رفته است، و با توجه به فحوای کلام وصفی از پروردگار، افزون بر تحلیل متن، می‌تواند تبیین‌گر اسلوبی باشد که تأثیر کلام را بر مخاطب دو چندان خواهد کرد. اسلوب‌های متفاوت گفتاری گونه‌های مختلف کنش را بوجود می‌آورد که در نظریه کنش-گفتاری جان سرل قابل تطبیق و تعمیم است. با به‌کارگیری این نظریه، عبارات تحمیدی امام علی (علیه‌السلام)، با مردم و سپاهیان در مواجهه با معاویه و پیروانش (قاسطین)، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

عبارات تحمیدی که در این موقعیت بیان شده‌اند برای تحلیل دقیق‌تر با توجه به ترتیب زمانی صدور واقع، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این عبارات بر اساس نسخه صبحی صالح شامل: خطبه ۴۸، نامه ۱۴، و خطبه‌های ۲، ۳۵، ۱۸۰، ۱۷۲، ۱، ۶۵، ۱۶۳، ۱۸۲ است.

### ۱.۱ بیان مسئله

انسان برای ارتباط با خالق خویش نیازمند گونه‌ای دیالوگ و بیان است. از این منظر گونه‌های متفاوتی از جملات دعایی در قالب‌هایی همانند تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر،

## بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی ... (محمد هادی امین ناجی و دیگران) ۵

تنزیه،... پدید آمده است. در این میان مسئله تحمید پروردگار از موضوعات مورد توجه در قرآن و سنت، و از دریچه‌های معرفت به ذات باری تعالی است. شناخت بیشتر این مقوله، موجبات بهره‌مندی از آثار و برکات آن را، در به‌سامانی زندگی دنیوی و اخروی انسان فراهم می‌آورد.

در تحلیل و تفسیر کنش‌های گفتاری متون، توجه به بسترهای اجتماعی، تاریخی و بافت ادبی از اهمیت برخوردار است. این دیدگاه مخالف برخی دیدگاه‌های نقدی نوین یا ساختگرایی فرانسوی است که متن را بدون در نظر گرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند. چنین نگاهی در مطالعه متون دینی از اهمیت برخوردار است (حسینی معصوم، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

چارچوب نظری این پژوهش نظریه کنش گفتاری جان راجرز سرل انتخاب شده است. در این راستا این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

### پرسش اصلی:

- الگوی گفتمانی امام علی (علیه‌السلام) در به‌کارگیری کنش‌های گفتاری مبتنی بر تحمید در مواجهه با قاسطین، در کتاب نهج‌البلاغه چیست؟

### پرسش‌های فرعی:

- عبارات تحمیدی نهج‌البلاغه دارای کدام نوع از کنش‌های پنج‌گانه گفتاری است و بسامد هر یک چگونه است؟

- تأثیر و تحلیل بافت و شرایط فرامتنی در مضمون و محتوای این عبارات چیست؟

## ۲.۱ پیشینه پژوهش

هرچند موضوع تحمید در آثار متفاوتی مورد توجه قرار گرفته است، اما جستجوی نویسنده در رویکرد کنش گفتاری نسبت به متن نهج‌البلاغه آثار زیادی را دریافت نکرد.

نجفی ایوکی، رسول‌نیا، کاوه نوش‌آبادی (۱۳۹۶)، در مقاله «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل»، پس از بررسی بافت مکانی، زمانی، تاریخی، به تحلیل کارگفت‌های خطبه شقشقیه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که کنش اظهاری در این

خطبه از بیشترین بسامد برخوردار است که این کنش با هدف و مقصود گوینده سخن در خطبه متناسب است.

نگارش و فضائلی (۱۳۹۰)، در مقاله «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»؛ پس از بافت‌شناسی خطبه از لحاظ مکانی، زمانی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی، با استفاده از جنبه‌های معناشناسی و نحوی به تحلیل کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل پرداخته‌اند. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که امام علی (علیه‌السلام) به مقتضای حال و وضعیت جنگ در این خطبه از کنش‌های اظهاری و ترغیبی بهره بیشتری برده و کنش عاطفی به میزان کمتری استفاده کرده است.

افشاری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه «شکر و آثار تربیتی آن در معارف علوی» با روش تحلیلی توصیفی به علل و انگیزه‌های شکر پرداخته و در ادامه به انگیزه‌های ناسپاسی و تبعات آن در فرد و جامعه پرداخته است.

یعقوبی و زعفرانلو (۱۳۹۷) نیز در مقاله «تحلیل زبانشناختی واژه‌های «حمد» و «شکر» در آیات قرآن کریم، بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده‌بندی کولماس»، از دو الگوی زبان-شناختی برای تحلیل آیاتی که به عمل شکرگزاری اشاره کرده‌اند، پرداخته‌اند.

نکته ممیزه پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین افزون بر هماهنگی در الگوی کنش گفتاری سرل، در این است که تلاش شده است، شرایط گفتمانی صدور کلام نیز مورد توجه قرار بگیرد و نظری به بافت تاریخی کلام داشته است.

### ۳.۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت توجه به این موضوع برای رفع یک سلسله از نیازهای انسان در خور توجه است. چرا که انسان امروز در معرض آسیب‌های فراوانی همچون پدیده انسان‌گرایی و دوری از منشاء آفرینش است. از دیگر سوی نهج‌البلاغه به‌عنوان الگویی از کلام انسان الهی، در بردارنده دیالوگ امام علی (علیه‌السلام) در شرایط گوناگون و قالب‌های مختلف با خداوند است، که روشی برای برآوری نیازهای فردی و اجتماعی انسان، بحساب می‌آید، و می‌تواند الگویی از نحوه دیالوگ انسان با خداوند، که البته نیازی خارج از حیطه جهان اکنون و نیازی فطری و مجرد برای انسان محسوب می‌شود، بر روی مخاطب بگشاید.

## ۲. بحث

### ۱.۲ مفهوم‌شناسی واژه دعا

دعا از ریشه «دع و» به معنای مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۷۹/۲). افزون بر این برای دعا معانی خواندن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۸/۱۴)؛ درخواست انجام دادن کار (العسکری، ۱۴۰۰: ۵۳۴) نیز آمده است.

دعا در اصطلاح به معنای روی نیاز به درگاه خداوند و درخواست انجام کاری از او با حالت خضوع آمده است. این درخواست گاهی با اسلوب امر و نهی و گاه با جمله خبری، و گاهی از باب مجاز به صرف تمجید و ستایش خداوند به کار می‌رود (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۱۹/۴). ابن منظور دعا و درخواست از خدا را بر سه گونه برشمرده است: بیان توحید و ثنای الهی، درخواست بخشش و رحمت و درخواست برای بهره‌دنیایی. این موارد در همه حال دعا نامیده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۷/۱۴).

قرآن کریم و سنت نبوی (ص) نیز بیانگر قالب‌های متنوعی از دعا همچون: تسبیح، تحمید، تهلیل، توسل، نیایش، استغفار، مناجات، حدیث نفس، نفرین (به مثابه دعای بد) و... هستند. این تنوع خود گویای اهمیت جایگاه مقوله دعا و طلب از خداوند متعال در فرهنگ اسلامی است.

### ۲.۲ تحمید

«تحمید» از واژه «حمد» مشتق شده است. حمد (حاء و میم و دال) واژه‌ای است که دلالت بر خلاف ذم می‌کند و به معنی، ستایش فعل جمیل اختیاری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۵۶). حمد واژه‌ای قرآنی و حدیثی است، که به تنهایی ۴۰ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است و در ۲۶ مورد اختصاص به خداوند دارد. ۱۴ مورد نیز همراه با مشتقات ریشه «سبح» آمده است.

ستایش پروردگار با عبارت «الحمد لله» چند وجه دارد: نخست آن‌که حمد برای غیر خدا نباید صورت بگیرد، دیگر آن‌که هر ستایشی، ولو ستایش غیر خدا، در حقیقت به خدا باز می‌گردد (منتظری، ۱۳۸۳: ۸۹). در نتیجه هیچ حمدی از هیچ حامدی در برابر هیچ امر محمودی سر نمی‌زند، مگر آن‌که در حقیقت حمد خداوند است.

وجه دیگر این عبارت توصیف است و خدای سبحان خود را از توصیف واصفان منزّه دانسته است. هیچ‌کس جز خداوند توانایی توصیف او را ندارد و هر جا سخن از حمد حامدان گردید، حمد ایشان با تسبیح همراه شد. چنانکه فرمود: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛ اسراء/۴۴». زیرا هر موجودی که لب به ستایش باز کند، حدی به او می‌زند، از این رو پروردگار به واسطه آیات قرآن و اولیای خاص خویش به بندگان می‌آموزد که چگونه سزاوار است ادب عبودیت را در مقامی که می‌خواهد، رعایت نمایند و حمد او را بگویند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳۱-۳۳).

واژگان شکر و مدح به دلیل ترادف با واژه حمد و قلت تعداد در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند. مدح یعنی تمجید یک موجودی که دارای حسن و کمال است، ولو آن کمال، غیراختیاری باشد. ولی حمد در مقابل کمالاتی است که به اختیار شخص حاصل می‌شود. شکر نیز در مقابل نعمت قرار می‌گیرد. در رابطه حمد و شکر رابطه اعم و اخص است و مدح اعم از حمد می‌باشد (خمینی، ۱۳۶۸: ۸۸).

همچنین حمد مفهومی فراتر از ستایش دارد؛ زیرا سپاس و ستایش در مورد غیر خدا نیز جایز است، ولی حمد افزون بر دربرگیری مفهوم سپاس و ستایش، متضمن مفهوم پرستش، خضوع و فروتنی عابدانه در برابر خالق نیز هست. واژه حمد در نهج‌البلاغه با اسلوب‌های متنوعی همانند «الحمد لله»، «احمده» «نحمده» به کار رفته است.

## ۳.۲ قاسطین

قاسطین یکی از سه گروه دشمنان (مارقین، قاسطین، ناکثین) حکومت عدالت‌محور امام علی (علیه‌السلام) بودند، که در زمین فساد و تباهی به بار آوردند، و با استفاده از روش‌های نامشروع ضربات سختی بر پیکره حکومت ایشان وارد ساختند. از این رو امام به مبارزه سخت با آنها پرداخت. مقرر سلطه قاسطین سرزمین شام بود. آنها به سرکردگی معاویه بن ابی سفیان، که در سایه امکاناتی که از سال‌ها حکومت بر شام و سرحدات آن به دست آورده بود، از نظر نظامی و اقتصادی تقویت شده بودند. آنها مردم را با ریا و تزویر به گمراهی کشانده و خود را بر حق جلوه می‌دادند. معاویه از همه راهها برای رسیدن به اهداف خود که همان قدرت طلبی بود سود می‌جست و مردمان ساده انگار و ظاهر بین فریب رفتارهای او را می‌خوردند. (مبلغ، ۱۳۹۶: ۹۱)



نقش قاسطین در تحریک طلحه و زبیر و برپایی جنگ جمل نقشی بارز و برجسته‌است. پس از جمل نیز با ورود به جنگ صفین، که منجر به واقعه حکمیت گردید، قدرت و نفوذ خود را بیشتر کردند. قاسطین پس از نبرد صفین، پیوسته به تجاوز به مرزهای شهرهای تحت نظر امام پرداختند و امنیت و آسایش را از مردمان سلب کردند و جنایت‌های فراوانی مرتکب شدند. تاریخ نقش آنها را در توطئه علیه امام علی (علیه‌السلام) و به شهادت رسیدن ایشان ثبت کرده‌است.<sup>۱</sup>

## ۴.۲ نظریه کنش‌گفتاری

نظریه کنش‌گفتاری از نظر قلمرو، به حوزه فلسفه زبان تعلق دارد؛ فلسفه زبان شاخه‌ای از فلسفه است که جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کند. این جنبه‌ها اختصاص به زبان خاصی ندارد و نسبت به هر زبانی صادق است. (سرل، ۱۳۸۵: ۲۰). نخستین کسی که به این موضوع پرداخت «آستین» فیلسوف انگلیسی بود. او در نظریه خود مطرح کرد که مقدار قابل توجهی از گفتار و نوشتار ما یا عین عمل هستند و یا بخشی از عمل می‌باشند. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی است که آنها را افعال‌کنشی می‌نامیم (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۱). الگویی که آستین به‌عنوان بنیانگذار نظریه کنش‌گفتاری ارائه داد مبتنی بر سه سطح کنش بیانی، منظوری و تأثیری بود. (نک: پایا، ۱۳۸۳: ۴۴۰)

پس از آستین، جان سرل در تکاپوی تکامل این نظریه اقدام کرد. او معتقد بود مطالعه کنش‌گفتاری مبتنی بر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از رهگذر حالت‌های ذهنی همچون باور، تمایل، نظایر و به ویژه از طریق عمل و ادراک آن، رابطه ارگانسیم را با جهان برقرار می‌کند (سرل، ۱۹۸۳: ۷؛ نقل از ایوکی).

کنش‌های گفتاری به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شوند. در کنش‌گفتاری مستقیم گوینده مقصود خود را به صراحت بیان می‌کند و در کنش‌گفتاری غیرمستقیم گفتار خود را در قالب ایهام، کنایه و استعاره بیان می‌کند که این خود نیازمند تفسیر و تأویل است (نک: عبدالحکیم، ۲۰۰۸، ۹۸).

کنش‌های گفتاری مطلوب باید از شرایط ذیل پیروی کنند تا به‌طور کامل محقق شوند:

الف) به عنوان پیش شرط، گوینده و شنونده باید دارای زبان مشترک و عاری از موانع ارتباط و مفاهمه باشند.

(ب) به عنوان نخستین شرط، گوینده باید جملاتی به زبان عادی و مشترک بیان کند.  
(ج) جمله باید حامل رابط‌هایی دربارهٔ چگونگی وضعیت مناسب با آن نوع کنش‌گفتاری باشد.

(د) گوینده باید قصد کند که کنش‌گفتاری به واسطهٔ جمله انجام شود و حالات روانی مناسب آن را داشته باشد. شنونده نیز باید تصور کند که گوینده قصد و نیت مناسب را دارد. تحقق این شرایط از یک نوع کنش‌گفتاری به کنش‌گفتاری دیگر متفاوت است. در متن نهج‌البلاغه مطالعه بافت کلام در تحقق تشخیص نوع کنش‌گفتاری انتخاب شده، امری سودمند است. (نک: کاظمی، جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۹).

#### ۱.۴.۲ انواع کنش‌های گفتاری ساده

کنش‌های گفتاری را به دو نوع ساده و پیچیده نیز دسته‌بندی کرده‌اند. در کنش‌گفتاری ساده گوینده تنها معنای ظاهری کلام را در نظر می‌گیرد. اما در کنش‌های گفتاری پیچیده گوینده افزون بر معنای حقیقی، معنای مجازی دیگری را نیز استخدام می‌کند که از طریق توجه به بافت متن به معنای پنهان و کنایی آن پی برده خواهد شد.

این‌گونه پرداختن به معنای استعاری در ادعیه امام (علیه‌السلام) کاربرد به‌نسبت زیادی یافته است. به عنوان نمونه می‌توان از عبارت تحمیدی در خطبه ۳۵ نهج‌البلاغه یاد کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَإِنْ أَتَى الدَّهْرُ بِالْخَطْبِ الْفَادِحِ وَالْحَدَثُ الْجَلِيلِ؛ سپاس خدای را، هرچند روزگار مشکلات کمرشکن و حوادث سخت و سنگین پیش آورده است». معنای استعاری که در این عبارت در بافت متن قابل تشخیص است، اشارهٔ گلیه‌آمیز امام به حوادث صفین و اتفاقات لیل‌الهریر است که طلیعه پیروزی را بر امام نشان داد، اما ناکارآمدی و سطحی‌نگری لشکریان حکمیت را رقم زد.

افزون بر این سرل کنش‌های گفتاری را در پنج گروه به شرح زیر دسته‌بندی کرده است:  
- کنش‌اظهاری:

کنشی که در آن فرد آنچه را که در جهان واقع رخ داده است را بیان کرده و نظر خویش را در مورد صحت یا سقم آن بیان می‌کند. گوینده تعهد خویش را نسبت به صدق گزاره‌ها بیان می‌کند (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). به عنوان نمونه می‌توان از عبارت تحمیدیه خطبه اول نهج‌البلاغه یاد کرد که بیان توصیف صفات خداوند است:

بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی ... (محمد هادی امین ناجی و دیگران) ۱۱

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُبْلَغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ...؛ حمد و ستایش خداوندی را سزااست که همه گویندگان از مدح و ثنای او عاجزند» (خطبه ۱)

- کنش ترغیبی:

تلاشی است که گوینده در جهت ترغیب مخاطب به انجام کاری صورت می‌دهد. درخواست‌ها در قالب این کنش قرار می‌گیرد (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). به‌عنوان نمونه عبارت مربوط به خطبه ۴۸ نهج‌البلاغه، ضمن بیان تحمید، ترغیب‌گر مخاطب به شکرگزاری است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا وَقَبَ لَيْلٌ وَغَسَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَخَفَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ غَيْرَ مَفْقُودٍ...؛ سپاس خداوند را سزااست هر بار که شب گردد و جهان رو به ظلمت و تاریکی نهد، و ستایش حق تعالی را روا است هر وقت که ستاره هویدا و پنهان شود (همیشه در هر وقتی از اوقات حمد و شکر خدای متعال بر هر کس واجب و لازم است)»

- کنش تعهدی:

کنشی که در قبال آن گوینده خود را متعهد به انجام کاری می‌گرداند. که در آن گاه از الفاظی که بیانگر سوگند، یا تعهدهای گفتاری مثل قول دادن به انجام کار است، بهره می‌برد (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). مانند عبارت:

« وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا؛ سوگند بخدا این کفش نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوبتر است، لکن (من قبول چنین امارت و حکومتی نموده‌ام برای اینکه) حقی را ثابت گردانم یا باطلی را بر اندازم» (خطبه ۳۳).

- کنش عاطفی:

بیان حالت روانی گوینده درباره اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ها مشخص شده است. در این کنش احساس خود را در برابر رویدادها بیان می‌کند (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). مانند عبارتی از نهج‌البلاغه در وصف حال خود که فرمود:

«إِنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدَى وَفِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا...؛ پس صبر کردم در حالتی که چشمانم را خاشاک و غبار و گلویم را استخوان گرفته بود و میراث خود را تاراج رفته می‌دیدم» (خطبه ۳)

- کنش‌اعلامی:

کنشی که اگر با موفقیت انجام شود، موجب تغییراتی در جهان بیرونی می‌شود. هدف این کنش اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب است (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). همانند گفتار امام علی (علیه‌السلام) در خطبه سوم که فرمود:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بوجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ؛ آگاه باشید سوگند به خدائی که میان دانه حبه را شکافت و انسان را خلق نمود اگر حاضر نمی‌شدند آن جمعیت بسیار (برای بیعت با من) و یاری نمی‌دادند که حجت تمام شود و نبود عهدی که خدای تعالی از علماء و دانایان گرفته تا راضی نشوند بر سیری ظالم (از ظلم) و گرسنه ماندن مظلوم (از ستم او)... (خطبه ۳).

از مزیت‌های طبقه‌بندی سرل می‌توان به انحصاری نبودن طبقات اشاره کرد. بدین معنا که یک پاره‌گفتار می‌تواند انواعی از کنش‌ها را همزمان در برداشته باشد.

### ۳. تحلیل تاریخی خطبه‌های تحمیدیه در قالب کنش‌های گفتاری مبتنی بر

#### نظریه سرل

خطبه‌های تحمیدی امام (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه معطوف به مورد مطالعه این مقاله به شرح زیر قابل تحلیل است:

خطبه ۴۸

این خطبه در سال ۳۶ هجری مصادف با نبرد صفین و در هنگام حرکت سپاهیان از اردوگاه نخيله به سمت شام ایراد شد. منقري زمان صدور خطبه را در روز پنجم شوال ذکر می‌کند (المنقري، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

عبارت تحمیدی خطبه:

«الحمد لله كلما وقب ليل و غسق... و لا مكافئ الأفضال؛ سپاس خداوند را سزا است هر بار که شب گردد و جهان رو به ظلمت و تاریکی نهد... و فضل و کرمش را هیچ چیز برابری نمی‌کند»<sup>۲</sup>.

بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی ... (محمد هادی امین ناجی و دیگران) ۱۳

نوع «ساختار آغازین گفتار» در ابتدای اکثر خطابه‌های امام علی (علیه‌السلام) با سپاس و ستایش پروردگار همراه است. کارکرد آن نیز زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل‌های مخاطبان است، تا اعتقاد به توحید و معارف الهی اصلاح شود، و نگرش صحیح به این امر آموزش داده شود.

در این پاره‌گفت‌ها کاربرد واژه حمد، دلالت مستقیم بر کنش عاطفی دارد.<sup>۳</sup> گوینده در آن به دنبال بیان احساسات درونی خویش نسبت به خدا و نعمت‌های الهی است. یادکرد شب و پدیده‌هایی که در آن به وقوع می‌پیوندند به عنوان اشاره برای ابدیت و دوام حمد به درگاه پروردگار است (جعفری، ۱۳۸۸: ۵۵/۱۰).

از آنجا که حمد در حقیقت به معنای مطالبه لطف و یاری پروردگار است، از این رو فزونی نعمت را نیز به همراه دارد. امام در این روزهای پر از فتنه و آشوب دست‌نیاز به سوی قادر بی‌نیاز بلند می‌کند و او را با صفت «ناصر- یاری کننده» حمد می‌کند. زیرا یاری جز از سوی خدا نیست و او بهترین یآوری است که به تنهایی برای یاری‌رسانی کفایت می‌کند.

با گذشت از ساختار بیرونی و صوری عبارات و تحلیل دقیق‌تر متن، می‌توان چنین ادعا کرد که به سبب اینکه غیر از پروردگار، سپاهیان مخاطبان بعدی گوینده هستند، این عبارات دارای بیش از یک خوانش یا تعبیر منفرد هستند، و می‌توانند کنش‌های متعددی را در برداشته باشند. همچنین از آنجا که هیچ مانع ارتباطی بین گوینده و شنوندگان برای تفهیم مطلب وجود ندارد، شروط کنش به خوبی رعایت شده است.

امام علی (علیه‌السلام) از یک سو با تبیین باورها و اعتقادات خویش در کنش غیرمستقیم اظهار حقایق را در خصوص عظمت خلقت جهان، یادآوری نعمت‌ها و لطف و احسان پروردگار برای سپاهیان بیان می‌کند. از دیگر سو با استفاده از موقعیت زمانی و مکانی ایراد خطبه که احتمالاً شب هنگام در کنار منظره آسمان بوده، با به کارگیری واژگان لیل، وقب، غسق، و نجم، و... مقدمات تاثیرگذاری بیشتر کلام را فراهم می‌گرداند (جعفری، ۱۳۸۸: ۵۵/۱۰). تا به تفکر در معارف الهی ترغیب شوند، و دشواری‌های جنگ را با اطاعت از امام پشت سر بگذارند. گوینده توصیه می‌کند اگر مراقب و هوشیار نباشید و بصیرت خویش را به کار نبرید این شرایط سخت، شما را در ظلمتی که روشنایی یقینتان را از بین می‌برد، قرار می‌دهد، که همگی این کارگفت‌ها ترغیبی بودن آن‌را نتیجه می‌دهد.

نامه ۱۴

زمان صدور نامه ۱۴ روزهای آغازین ماه صفر سال ۳۷ هجری، در هنگامه نبرد صفین است (جعفری، ۱۳۸۰: ۴/۱۱۴).

متن تحمیدی عبارت است از:

«... بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حُجَّةٍ...؛ سپاس خدا را که شما دارای حجت و دلیل هستید»<sup>۴</sup>.

امام علی (علیه‌السلام) در کنش مستقیم عاطفی پروردگار را با صفت «رافع- برتری دهنده» حمد می‌گوید. منظور از حمد، ورود گفتار به کنش افعالی، سپاسگزاری و مرحله پس از آن، یعنی برانگیختن ذهن مخاطب به سوی آنچه برای آن سپاس‌گزاری انجام می‌شود. سپاس به جهت لطفی که پروردگار به امام و سپاهیانش داشته و آن‌ها را در جایگاه برتری نسبت به دشمن قرار داده است. با این کنش خواستار سرازیر شدن الطاف الهی است، تا این موقعیت برایشان حفظ شود و قدم‌هایشان در راه حق و صراط مستقیم استوار گردد. در ادامه با کاربرد جملاتی به زبان عادی و مشترک، و عاری از هرگونه موانع ارتباط و مفاهمه سپاهیان را مورد خطاب قرار می‌دهد، و با کنشی اظهاری متعهد به صدق گزاره‌هایی که بیان می‌دارد، می‌شود. با کاربرد این کنش سپاهیان مطلع می‌شوند، به جهت حجت و برهان روشن، در جایگاه حق قرار دارند و دست برداشتن از جنگ تا زمانی که دشمن جنگ را آغاز کند، حجت دیگری به سود آن‌ها و زیان دشمن است. این دلیل- آوری منجر به آگاهی سپاهیان به انتخاب درستشان می‌گردد. مضاف بر اینکه یادآور می‌شوند این برتری لطفی از جانب پروردگار است، که به سبب آن باید سپاسگزار او باشند. همچنین در کنش مستقیم ترغیبی سپاهیان را از اصول انسانی و الهی مطلع می‌کند، و توصیه می‌کند که هدف، پیروزی بر دشمن به هر طریقی نیست بلکه هدف، حرکت در صراط مستقیم و کسب خشنودی پروردگار است. حتی در زمانی که تا رسیدن به پیروزی یک قدم فاصله باشد.

او می‌کوشد نشان دهد که انسانیت بر محور اخلاق بر دیندار بی اخلاق برتری دارد. (رفعت، ۱۳۹۸: ۱۵۸)

خطبه ۲

این خطبه پس از جنگ صفین، حدود ربیع الأول سال ۳۷ ایراد شده است (العاملی، ۱۱۰۴: ۱۷۰).

متن تحمیدی خطبه عبارت است از:

«أَحْمَدُهُ إِسْتِثْمَامًا لِنِعْمَتِهِ وَإِسْتِسْلَامًا لِعِزَّتِهِ وَإِسْتِعْصَامًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ...؛ خداوند متعال را سپاسگزارم برای تمام گردانیدن نعمتش و فرمانبرداری در مقابل بزرگواری و عزتش و نگاه داشتن از معصیتش<sup>۵</sup>»

عبارت آغازین امام علی (علیه السلام) در این خطبه نیز، با وجود تمام سختی‌ها و ناگواری‌های جنگ صفین، با حمد و سپاس به درگاه الهی آغاز می‌شود. گوینده در قالب کنش مستقیم عاطفی پروردگار را با صفات (منعم: نعمت دهنده؛ عزیز: شکست‌ناپذیر؛ عاصم: بازدارنده؛ مستعان: یاری‌رسان؛ هادی: هدایت‌گر؛ منتقم: انتقام‌گیرنده، کافی: کفایت‌کننده) حمد می‌گوید. این کنش بیانگر احساس درونی گوینده به سبب بهره‌مندی از نعمت بصیرت و آگاهی است، که توانسته در مواجهه با دشمن و کارشکنی سپاهیان به خطا نرود. با اینکه به سبب نافرمانی سپاهیان، وقایع ناگواری را در جنگ صفین تجربه کرده است، اما خودش را تسلیم محض در برابر قدرت الهی می‌داند و از پروردگار استعانت و یاری می‌خواهد تا او را از تکبر، خودبزرگ‌بینی و معصیت در مقابلش حفظ کند. دست‌نیاز به سوی قادر بی‌نیاز بلند می‌کند و برای خلاصی از این مصیبت و مقابله با دشمنان، خدا را به تنهایی کافی می‌داند و او را یگانه راهنمایی می‌داند که می‌تواند لغزش، ترس، و دودلی‌های سپاهیان را به استواری و استقامت مبدل کند، و از رفتن به ورطه ضلالت به سعادت رهنمون کند. به کارگیری انواع کنش‌های گفتاری برای تبیین معانی و اقناع مخاطب به کار می‌رود. از این رو به نظر می‌رسد در این ساختار زبانی چندین کارگفت متفاوت برای تفهیم بهتر شرایط و موقعیت با زبانی قابل فهم برای همگان، قابل تحلیل باشد.

گفته‌پرداز جهان را آنگونه که باور دارد، برای شنوندگان به تصویر می‌کشد، و با کنش‌های افکار و اعتقاداتش نسبت به پروردگار را برای سپاهیان بازگو می‌کند، تا با یادآوری جایگاه قدرت الهی، همگان دعوت به منبع خیری شوند که از ضلالت و هلاکت حفظ می‌کند. در انتها نیز مجدداً آن‌ها را از یاس و ناامیدی نسبت به شکست در جنگ صفین رهایی می‌دهد و با معرفی شاهراه حمد و سپاس به آنها روحیه می‌دهد تا بدانند که فرصت جبران گذشته را دارند، و در برابر عظمت قدرت بی‌انتهای پروردگار، سنگین‌ترین و باارزش‌ترین چیزی که بندگان ناتوان می‌توانند به وسیله آن خشنودی الهی را کسب کنند، حمد به درگاه اوست، که باز اظهاری را شامل می‌شود. از دیگر سو در قالب کنش

غیرمستقیم ترغیبی آن‌ها را به اطاعت و فرمانبرداری از دستورات الهی توصیه، و از معصیت برحذر می‌دارد و هشدار می‌دهد که هرکس در مقابل پروردگار بایستد امنیتش را از دست می‌دهد و بی‌یاور می‌ماند. پس حال که خدا به شما توانایی داده و شما را در موقعیت مناسب‌تر و قدرتمندتری نسبت به دشمنانتان قرار داده است برای شکر این نعمت باید توانایی‌های خویش را برای سرفرازی پرچم اسلام و نابودی پرچم ظلم به کار ببرید.

### خطبه ۳۵

این خطبه پس از اطلاع از نتیجه حکمیت در شوال یا ذی‌القعدة سال ۳۷، در مسجد کوفه، بیان شده است (الطبری، ۲۲۴: ۷۷)

عبارت تحمیدی خطبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَإِنْ أَتَى الدَّهْرُ بِالْخَطْبِ الْفَادِحِ وَالْحَدِيثِ الْجَلِيلِ؛ ستایش مخصوص خداوند است هر چند روزگار بلیه بزرگ و پیش آمد بسیار سخت پیش آرد»

امام علی (علیه‌السلام) در عبارت آغازین این خطبه در قالب کنش عاطفی حمد و ثنا را تنها مخصوص خدا می‌داند و پس از اطلاع از خبر شوم حکمیت، احساسش را از این حادثه با خدا در میان می‌گذارد. با اینکه شکست خورده ولی به خدا نق نمی‌زند و او را مسبب نمی‌داند (منتظری، ۱۳۸۳: ۵۵۱). شاکر است زیرا شکر الهی، تنها در برابر حوادث خوشایند و بهره‌مندی از مواهب معنوی و مادی نیست، بلکه در همه حال باید سپاسگزار بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۵۸). کارکرد این کنش برای رهایی از این شرایط سخت و مصیبت‌بار است، تا با لطف الهی از این حادثه غم‌انگیز رهایی یابند. شنوندگان دیگر این سخنان مردم کوفه و سپاهیان هستند.

با گذر از روساخت پاره‌گفت‌ها می‌توان بیان اخباری را در قالب کارگفت اظهاری مشاهده کرد. گوینده در این سخنرانی با کاربرد واژگان قابل فهم خطب مانند فادح، الحدیث الجلیل، از حادثه و مصیبت عظیمی که با حکمیت بر سر مسلمین آمده خبر می‌دهد. واقعه - ای که منجر شد امام علی (علیه‌السلام) با همه سوابق در اسلام کنار برود و معاویه، که تا سال هشتم با در جنگ با بود، خلیفه مسلمین بشود (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۱۸۲).

نسبت دادن این حادثه دردناک به روزگار، سرزنش مردم به خاطر رفتار نادرستشان است. چون روزگار، چیزی جز مردم آن، که در خور گله و شکایت هستند، نیست. در همین حادثه مردم اگر گوش به فرمان بودند و از هشدارها پنندهای مولایشان نتیجه گرفته



بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی ... (محمد هادی امین ناجی و دیگران) ۱۷

بودند، هرگز در چنین دام سختی گرفتار نمی‌شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۵۸). کنشی که متناسب با این موقعیت به نظر می‌رسد، کنش غیر مستقیم عاطفی با فعل (سرزنش کردن و اظهار تأسف خوردن) است.

خطبه ۱۸۰

این سخن پس از ماه صفر سال ۳۸ هنگامی که امام مردم را برای رفتن به مصر و یاری محمد بن ابی‌بکر فرا می‌خواند و کسی به پا نمی‌خواست، ایراد شده است (جعفری، ۱۳۸۰: ۸۳/۲۵۷). این خطبه و خطبه‌های بعدی پس از اطلاع از نتیجه حکمیت، ایراد شده‌اند. در این دوران معاویه برای رسیدن به اهداف شوم خود، راه و سیاستی غیر اسلامی و غیر انسانی برای سلب امنیت از شهرهای اسلامی، در پیش گرفت (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

متن تحمیدی عبارت است از:

«أَحْمَدُ اللَّهِ عَلَى مَا قَضَى مِنْ أَمْرٍ وَ قَدَّرَ مِنْ فِعْلٍ وَ عَلَى إِبْتِلَائِي بِكُمْ أَيُّهَا الْفِرْقَةُ أَلْتِي إِذَا أَمَرْتُ لَمْ تُطِيعْ وَ إِذَا دَعَوْتُ لَمْ تُجِبْ...؛ خدا را سپاس می‌گزارم بر امری که واجب و لازم نموده، و بر فعلی که مقلد فرموده، و بر آزمایش نمودن من به (نفاق و دورویی) شما ای گروهی که هر زمان فرمان دادم پیروی نکردید، و دعوت مرا نپذیرفتید»<sup>۷</sup>.

امام علی (علیه‌السلام) در شرایطی که به سبب نافرمانی سپاهیان، قلبش از شدت حزن و اندوه، غمگین است، باز حمد پروردگار را بجا می‌آورد. چرا که تسلیم محض در برابر فرمان اوست، همه چیز را دارای مصلحت و هدف از سوی او می‌بیند، و ابتلای خود به این مردم را از قضا و قدر الهی و امتحانی، برای قرب بیشتر می‌داند. این عبارات در قالب کنش-عاطفی با «اسم قاضی-حکم کردن» و «مقدر-اندازه گذارنده» بیانگر احساسات گوینده بر هر چه پروردگار قضا داده و مقدر فرموده است. در ادامه نیز مجدداً حال درونی خود را، به سبب وجود سپاهیان سرکش و نافرمان بیان می‌کند. سپاهیان که به سبب نداشتن قدرت تحلیل، نفهمیدند که اگر مصر به دست طرفداران معاویه، بیافتد چه ضربه سنگینی به حکومت وارد خواهد شد، و چگونه اسباب ذلت و خواری خود را مهیا می‌کنند. که در کنش مستقیم عاطفی را دربرمی‌گیرد. همچنین به سبب عمق عبارات نهج‌البلاغه می‌توان کنشی متفاوت را نیز برداشت کرد. کنشی که به دنبال تغییر نگرش شنوندگان، و وادار کردن آنها به عمل است. گوینده با بیان این کارگفت‌ها درصدد بصیرت‌افزایی مخاطبان، برای اصلاح حال و انتظام امور است، تا دست به کار شوند و مانع تجاوزگری دشمن شوند.

از آنجا که تمامی این کنش‌ها بدون هیچ مانع ارتباطی برای همگان قابل فهم بوده، و متناسب با شرایط و موقعیت موجود بوده، از شروط کنش‌گفتاری برخوردار است.

#### خطبه ۱۷۲

زمان صدور این خطبه، با توجه به جریان خطبه و مناسبت آن که پس از شهادت محمد بن ابی‌بکر است، تاریخ آن را می‌توان بعد از ماه صفر سال ۳۸ هجری دانست (جعفری، ۱۳۸۰: ۳/۱۷۴). در همین وضعیت چند نفر از یاران امام، از او خواستند که نظرش را درباره ابوبکر و عمر بگوید. امام با اینکه موقعیت را مناسب نمی‌دید ولی برای اینکه یک بار، به این سؤال پاسخ درست و کاملی دهد، در نامه‌ای مفصل از حقوق ضایع شده خویش پرده‌برداری بیان می‌کند (التقی، ۲۸۳: ۲۹۹-۳۰۳).

#### عبارت تحمیدی خطبه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُوَارِي عَنْهُ سَمَاءٌ سَمَاءً وَلَا أَرْضٌ أَرْضًا؛ سپاس خداوندی را که از او نمی‌پوشاند آسمان و زمینی آسمان و زمین دیگر را»<sup>۱</sup>

در عبارات آغازین این خطبه، گفته‌پرداز در کنش عاطفی پروردگار را برای صفت «عَلَم»: بسیار آگاه می‌ستاید، پروردگاری که هیچ چیز نمی‌تواند مانع احاطه کامل، علم و آگاهی او نسبت به عالم شود، زیرا همه چیز در محضر او پیدا و ظاهر است و هر آنچه را که بخواهد از خفا بیرون می‌آورد و علنی می‌کند، و هیچ کس نمی‌تواند شناخت حق و باطل را برایش دشوار کند. گویا در ضمن این سپاس از خدا می‌خواهد همگان را از حق ضایع شده خویش آگاه کند.

این کارگفت‌های اظهاری بیان حقایق برای اطلاع پرسش‌کنندگان نیز محسوب می‌شود. تا همگان بدانند در مدت ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله) افراد بسیاری تلاش کردند تا با سوء استفاده از جهل مردم، حق امام علی (علیه‌السلام) را نادیده بگیرند و او را عقب بزنند و دیگری را به جایگاهی که خدا و رسولش برایش برگزیده بودند، ترجیح دهند. با دقت در ساختار زبانی عبارات چنین به نظر می‌رسد که معنای پنهان دیگری نیز قابل تحلیل است. به نظر می‌رسد گوینده با یادآوری گذشته خویش سپاهیان نافرمان را متذکر می‌کند که بی‌لطفی شما در حق من، برای نخستین بار اتفاق نیفتاده بلکه من پیش از این نیز مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌بودم. بیان این کنش ترغیبی شاید آن‌ها را از سرپیچی و نافرمانی به اطاعت برساند.

### خطبه ۱

صدور این خطبه مربوط به زمانی است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مردم را برای بار دوم به جنگ با معاویه فرا می‌خواند، یعنی رمضان سال ۳۸ یا رمضان سال ۴۰ هجری (جعفری، ۱۳۸۰: ۸۶/۱)

عبارت تحمیدی خطبه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ...؛ حمد و سپاس خداوندی را سزااست که همه گویندگان از مدح و ثنای او عاجزند...»<sup>۹</sup>

گوینده در عبارات آغازین، در کنش مستقیم عاطفی صفت لایتناهی بودن خدا را مدنظر می‌گیرد و به سبب عجز انسان در مدح و ثنای الهی، در شمارش نعمت‌هایش، در ادای حقش، ... او را شایسته حمد می‌داند. گوینده به عنوان یک بنده آگاه به جایگاه خود و خالقش، او را می‌ستاید و امید دارد تا بیش از پیش نعماتش را به مخلوقات ارزانی دارد و با قدرتش ضعف سپاهیان را جبران کند، و امید به پیروزی علیه دشمن را همچون نسیم رحمت در دل‌های آنان پراکنده کند، و چنان سکون و آرامشی با توکل به خودش در وجود سپاهیان ایجاد کند که بتوانند بی هیچ ترس و دودلی در نبرد با شامیان شرکت کنند.

در عبارات تحمیدی این خطبه کنش‌هایی به کار رفته که در ضمن تحمید شناخت بهتری نیز از پروردگار حاصل می‌شود. از این رو در کنش غیرمستقیم اظهاری پروردگار را به گونه‌ای معرفی می‌کند که شناخت‌ها و اندیشه‌های مردم کوفه و کسانیکه در آن زمان در این شهر رفت و آمد می‌کردند، اصلاح شود. همچنین چون از کارکردهای کنش ترغیبی، متمایل کردن مخاطب به انجام کاری است که گوینده مشوق آن است، با یادآوری نعمت‌های بی حد و حصر الهی، درصدد است تا سپاهیان برای شکر این الطاف، در مسیری قدم بردارند که مورد رضای پروردگار است.

### خطبه ۶۵

امیرالمؤمنین برای بار دوم (میان سال‌های ۳۸ تا ۴۰ هجری) مردم را به جنگ با معاویه فراخواند و چون گرد آمدند این خطبه را ایراد فرمود (جعفری، ۱۳۸۰: ۶۰۵/۱)

عبارت تحمیدی خطبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ تَسْبِقْ لَهُ حَالٌ حَالًا...؛ حمد و سپاس خداوندی را سزااست که هیچ صفتی (از صفاتش) بر صفت دیگر او پیشی نگرفته است»<sup>۱۰</sup>

امام علی (علیه‌السلام) قبل از جنگ‌ها و در طول جنگ، مردم را به صفات جلال و جمال الهی توجه می‌داد تا با انگیزه بیشتری به سمت دشمن حرکت کنند و درصدد بود تا پس از ایراد این خطبه، سپاهیان آماده جنگ دیگری با معاویه و ظالمان شام شوند. گوینده ابتدا در قالب کنش مستقیم عاطفی خطاب به خدا می‌فرماید همه حمد تنها مخصوص توست، تویی که وجودت از هر گونه تغییر و دگرگونی مبرا است چرا که محدود در زمان و مکان نیستی. تویی که وحدت، عزت، قوت، مالکیت، عالمیت، قدرت، و یا داشتن سمع و بصر و ظاهر و باطن تنها در وجود تو به حقیقت پیوسته و برای دیگر موجودات عرضی و مجازی است. بیان احساس در این کارگفت‌ها، خواهان اینست که مخاطب بندگان را از نقص به سمت کمال سوق دهد و همانند خویش کند.

سپاهانی که باید به جنگ دوباره با شامیان روی بیاورند، شنوندگان دیگر این سخنان هستند. گوینده در کنش غیرمستقیم اظهاری با به تصویر کشیدن جهان، به همان شکلی که باور دارد، درصدد است تا شناخت صحیحی نسبت به پروردگار ایجاد کند. زیرا متوجه شدن به ذکر خدا، و اسماء و صفات او به انسان نیرو می‌بخشد و او را به مسئولیت‌هایش در زمینه جهاد با دشمنان متذکر می‌کند. در سایه آگاهی و توجه به این صفات، نور و توان فزونی در شنوندگان حاصل می‌گردد، و ترس و دودلی آن‌ها برای جنگ از بین می‌رود. قصد دیگر اینست که سپاهیان با تمام وجود بفهمند که اگر خدای قادر متعال آن‌ها را دعوت به نابودی باطل کرده است نه از این بابت است که خود توانایی برچیدن ظلم را ندارد، بلکه موقعیتی است تا به سبب آن شایسته پاداش شوند و به کمالات الهی نزدیک‌تر گردند.

از سوی دیگر توجه به این اوصاف، تأثیر بسیاری در تربیت انسان‌ها دارد، و آن‌ها را به سوی همانندی - هر چند در مرحله بسیار پایینی باشد - سوق می‌دهد. به عبارت روشتر هنگامی که انسان خدا را از همه چیز دانا و تواناتر می‌داند و او را به خاطر علم و قدرتش می‌ستاید، نمی‌پسندد که خودش در جهل مطلق و ناتوانی کامل باشد. پس با کاربرد کنش غیر مستقیم ترغیبی، سپاهیان را برای کنار گذاشتن ضعف، سستی و ناتوانی‌هایشان ترغیب می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۸۸).

### خطبه ۱۶۳

هنگامی که امام علی (علیه‌السلام) مردم را برای بار دوم، به جنگ با معاویه دعوت کرد، حدود سال‌های ۳۸ تا ۴۰ در کوفه، این سخن بیان شده است. (جعفری، ۱۳۸۰: ۸۳/۳) در همین زمان گروهی از یهودیان از ایشان خواستند تا پروردگار را برایشان توصیف کند. چرا که آوازه معرفت ایشان نسبت به پروردگار در همه جا گسترش یافته بود و مردم دیگر ادیان نیز مشتاق بودند با خدایی که او می‌شناسد آشنا شوند.

عبارت تحمیدی خطبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْعِبَادِ وَ سَاطِحِ الْمِهَادِ، وَ مُسِيلِ الْوَهَادِ وَ مُخْصِبِ النَّجَادِ؛ سپاس خداوندی را سزا است که آفریننده بندگان و گستراننده زمین و روان کننده آب فراوان در زمینهای پست و رویاننده گیاهها در زمینهای بلند است»<sup>۱۱</sup>

کارگفت تحمیدی این پاره‌گفتار در قالب کنش مستقیم عاطفی، سپاس خدا با صفات (خالق - آفریننده) و (رحمان: بخشاینده نعمت‌ها) اوست. پروردگار را می‌ستاید که بندگان را از نعمت وجود بهره‌مند کرد و اسباب زندگی را برایشان فراهم ساخت. او را به سبب وجود واجب‌الوجودش و به سبب عظمت قدرتش که موجب شده همه مطیع و فرمانبردارش باشند و او را به یکتایی بستایند، می‌ستاید. تنها او را لایق این ستایش می‌داند و در نظر دارد تا توجه و الطافش را شامل حال سپاهیان کند و آن‌ها را به اقدامی علیه شامیان رهنمون کند.

توان تعبیری و عمق معانی عبارات نهج‌البلاغه به گونه‌ای است که در موارد بسیاری بیش از یک کنش‌گفتاری در آن‌ها به چشم می‌خورد. در این عبارات نیز امام علی (علیه‌السلام) در کنش غیر مستقیم اظهاری، معرفت سپاهیان را نسبت به خدا و فلسفه آفرینش عمق بخشیده و متذکر می‌شود که بدانید پروردگار، شما را به‌عنوان عبد، خلق کرده و آسمان و زمین را در خدمتتان قرار داده است تا مطیع و فرمانبردار او شوید، نه اینکه از نعماتش سود جویند و در مقابلش گردنکشی و نافرمانی کنید خدا بندگان را آفرید تا او را بشناسند و با شناخت قدرتش در برابر او امرش خاشع و خاضع شوند، اما دریغ که شما قدرت بی‌نهایتش را نادیده گرفته و به سبب ترس از قدرت‌های پوچ و تو خالی، یا سستی و تبلی و وابستگی به امور دنیایی، به خفت و ذلت تن داده‌اید، فرمان الهی را پشت سر گذاشته‌اید، و از غیر اطاعت می‌کنید.

### خطبه ۱۸۲

ابن ابی الحدید می‌نویسد این آخرین خطبه‌ای است که امیرالمؤمنین در رمضان سال ۴۰ در کوفه ایراد فرمود (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۱۱۲). این خطبه در جریان آخرین حمله معاویه برای نا امن کردن سرزمین‌های زیر فرمان امام علی (علیه‌السلام) در این زمان، به شهر انبار بود. هنگامی که خبر این حمله به امام رسید به سبب این تجاوز با خشم بسیار با مردم مواجه شد. چند روز بعد این خطبه را در تسبیح، تحمید، توحید، و توصیه به تقوا و نصیحت به یاران و وصف دنیا ایراد می‌کند. سپاهیان همه به جنبش می‌افتند، و به بسیج سپاه می‌پردازند، اما دریغ که دست پلیدی، انسانیت را از حرکت در مسیر تکامل و تعالی بی‌بهره ساخت. (جعفری، ۱۳۸۰: ۳/ ۲۷۵-۲۷۴)

عبارت تحمیدی خطبه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ وَعَوَاقِبُ الْأُمْرِ...؛ سپاس خدائی را سزا است که بازگشت جمیع خلایق و آخر کارها (ی ایشان) بسوی اوست...»<sup>۱۲</sup> عبارت آغازین آخرین خطبه امام علی (علیه‌السلام) با کنش مستقیم عاطفی مربوط می‌شود به سپاس از خدایی که بازگشگاه همه مخلوقات و سرانجام همه امور است. گوینده احساس شوق خود را با مخاطب در میان می‌گذارد. احساس شادی به سبب بازگشت به سوی خدا برای کسی که تمام عمر خویش را برای خدا جنگ و صلح کرده، برای خدا مجازات و پاداش داده، برای خدا نصب و عزل کرده، و تمام زندگی‌اش برای خدا بوده است، خیلی هم دور از ذهن نیست، چرا که پس از گذراندن زندگی پر از رنج و سختی دنیایی، به آغوش امن الهی بازمی‌گردد. در ابتدای این عبارت تحمیدی واژه حمد بصورت اسم (الحمد) به کار رفته، که نشانگر یک قانون ثابت الهی است، آن هم بازگشت همگان به سوی خداست که استثنابردار هم نیست. اما در عبارت بعدی که حمد بصورت فعل (نحمده) به کار رفته، یک امر مستمر را بیان می‌کند. یعنی خدا همواره بر انسان‌ها احسان عظیم، برهان روشن، و فضل و نعمت می‌بخشد.

به کارگیری انواع کنش‌های گفتاری برای اقناع مخاطب، مربوط به کارگفت‌هایی با عمق معانی بالاست. در این عبارات گفته‌پرداز بدون مانع ارتباطی با استفاده از تعابیر معقول، شرایط فهم سخن را برای شنوندگان فراهم می‌آورد. گوینده با استفاده از کنش اظهار خود را متعهد به صدق گزاره‌هایی که بیان می‌دارد، می‌کند. از این رو امام علی (علیه‌السلام)

شنوندگان را به تفکر در خصوص چرایی اطاعت از پروردگار دعوت می‌کند، و نیکی‌ها و نعمت‌هایی که خدا به بندگان بخشیده را متذکر می‌شود تا تنها او را شایسته پرستش بدانند. با دقت در ساختار زبانی این کارگفت، کنش غیرمستقیم ترغیبی، نیز قابل تحلیل است. یادآوری این مهم که همگی بعد از گذران این چند روز دنیایی به سوی پروردگار خواهیم رفت، و دنیا برای هیچ کس باقی نخواهد ماند، می‌تواند تغییری در رفتار مخاطبان ایجاد کند. اگر مردم به این امر بهتر و عمیق‌تر نگاه کنند سستی و تنبلی را کنار می‌گذارند و عزمشان را برای کوتاه کردن دست متجاوزان جزم می‌کنند.

«.....و الحمد لله الكائن ... لا يقاس بالناس...؛ سپاس خدایی را که بوده و هست ... او را با

مردمان نتوان سنجید...»

در ادامه همین خطبه، بار دیگر گوینده با به کارگیری کنش مستقیم عاطفی احساس شکر خود را در خصوص بزرگی خالق جهان، برای همگان بیان می‌کند. از طرفی با بیان عظمت قدرت الهی، درصدد است تا در قالب کنش غیرمستقیم ترغیبی در رفتار مردم نیز تغییر ایجاد کند، و با بیان صفات الهی، به مخاطبان توصیه می‌کند که پروردگار دارای صفات عظیمی است که حتی درک آن نیز برای بندگان ممکن نیست، و اگر بخواهد عملی صورت بگیرد بدون هیچ واسطه‌ای آن را محقق می‌کند، پس اگر این فرصت را به شما داده تا به یاری دینش بشتابید، لطفی است که شامل حال شما شده تا به سبب آن مشمول رحمت الهی گردید.

#### ۴. نتیجه‌گیری

از رهگذر تولید پاره‌گفتارها، در عبارات تحمیدی اعمالی انجام شده است که کنش‌گفتار نام دارند. در ابتدا چنین به نظر می‌آمد که کارگفت‌های تحمیدی امام علی (علیه‌السلام)، با مردم و سپاهیان در مواجهه با قاسطین تنها دربردانده کنش‌های عاطفی شکرگزاری است، اما با گذر از ساختار صوری و ظاهری عبارات مشخص شد، هریک از کارگفت‌ها دارای تعابیر و خوانش‌های متعدد است، و گوینده برای تبیین معانی و اقناع مخاطب به دور از هرگونه مانع ارتباطی، به ساختارهای نهفته و پیچیده عبارات نیز توجه داشته است.

با تحلیل کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه جان سرل می‌توان چنین تحلیل کرد که در الگوی گفتمانی گوینده به ترتیب کنش‌های عاطفی، ترغیبی و اظهاری دارای بیشترین بسامد می‌باشند، و کنش اعلامی و تعهدی کاربرد نداشته است. با دقت در کاربست این کنش‌ها مشاهده شد کنش مستقیم و ساده همه کارگفت‌ها ماهیت عاطفی دارد، و گوینده در آن احساس خویش را در خصوص عظمت وجود پروردگار، صفات جمال و جلال الهی و نعمت‌های بی حد و حصرش بیان می‌کند. از این رو دارای بالاترین بسامد است. اما با گذر از ساختار صوری و ظاهری عبارات، کنش‌های غیرمستقیم و پیچیده نیز قابل تحلیل است. گوینده کنش غیرمستقیم ترغیبی را با هدف برقراری ارتباط با سپاهیان و تهییج و تشجیع آن‌ها به جنگ با سپاه دشمن، به کار برده است. امام علی (علیه‌السلام) سعی می‌کند با سخنانش شرایطی را به وجود آورد تا انگیزه‌ای برای تغییر رفتار مخاطبانش از طریق هشدار دادن، دستور دادن، تشویق کردن، نصیحت کردن، اطمینان دادن و روحیه و اعتماد به نفس دادن، ایجاد کند، و سپاهیان را برای اقدام علیه شورش و غارتگری قاسطین تحریک و ترغیب نماید. در ادامه کنش اظهاری با اختلاف کمی با کنش ترغیبی به کار رفته است. در این کنش گوینده مدعی صادق بودن اظهارات خویش است و خارج را آنگونه که باور دارد، به تصویر می‌کشد. قصد دارد با کاربرد این کنش در یارانشان نسبت به خدا، قدرت‌ش، نعماتش، الطافش، زندگی، مرگ، و دشمن، بصیرت و معرفت عمیق و صحیح ایجاد کند، تا با شناخت درست بتوانند انتخاب به موقع و مناسب را برگزینند.

در نهایت آنچه که از تحلیل بافت به چشم می‌خورد هماهنگی زیبای متن و شرایط فرامتنی در رساندن گوینده به هدف و مقصود خویش است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر نک: شرح ابن ابی‌الحدید، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء الکتب العربیه، مصر.
۲. تنها راوی این خطبه نصر بن مزاحم منقری در کتاب «وقعه صفین» ص ۱۳۱ آن را بیان کرده است. تمامی اسناد تا انتهای پژوهش از کتاب پرتوی از نهج‌البلاغه دکتر محمد مهدی جعفری می‌باشد.
۳. معنای پاره‌گفتار حاصل معنای جمله و بافت است.



بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی ... (محمد هادی امین ناجی و دیگران) ۲۵

۴. نصر بن مزاحم، کتاب «وقعة صفین» ص ۲۰۳. طبری، کتاب «تاریخ الرسل و الملوك» ج ۶، ص ۳۲۸۲. احمد بن اعثم کوفی کتاب «الفتوح» دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۶ هـ. ق. (۱۹۸۶ م). ۳/۲۹. کلینی (ف ۳۲۸ یا ۳۲۹ هـ)، کتاب «الکافی»، ص ۳۵، ج ۳، فروع (جلد ۵ کافی) - المسعودی، کتاب «مروج الذهب و معادن الجواهر» ص ۲/۳۶۲.
۵. راوی خطبه: محمد بن طلحة شافعی، کتاب «مطالب السؤل»، ابن قتیبة دینوری، «عیون الاخبار»، ج ۱، ص ۳۲۶. ابن عبد ربّه اندلسی مالکی، کتاب «عقد الفرید»، ج ۳، ص ۱۱۲. ابن جریر طبری، کتاب «المسترشد» (مصادر نهج البلاغه و اسانیده).
۶. «انساب الاشراف»، ج ۲، ص ۳۶۵. «تاریخ الرسل و الملوك»، ج ۶، ص ۳۳۶۸. «مروج الذهب»، ج ۲، ص ۴۰۲. «تذكرة الخواص»، ص ۹-۹۸.
۷. ابراهیم بن محمد الثقفی، کتاب «الغارات» ج ۱ ص ۲۹۱، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، کتاب «تاریخ الرسل و الملوك» ص ۳۴۰۹.
۸. ابن قتیبة دینوری، کتاب «الإمامة و السیاسة» ج ۱، ص ۱۷۶. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، کتاب «الغارات» - ج ۱، ص ۳۰۸، ۳۰۹ و ۳۱۱. محمد بن جریر بن رستم طبری، کتاب «المسترشد»، سید بن طاووس، کتاب «کشف المحجّة لثمره المهجّة».
۹. کلینی (ف ۳۲۸ یا ۳۲۹ هـ)، کتاب «الکافی»، کتاب التوحید، ج ۱، ص ۳۸۰، مقداری از آن نیز در «تحف العقول» ابن شعبه حرانی آمده است.
۱۰. «الغارات»، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۲. «اصول کافی»، کتاب التوحید، باب جوامع التوحید، ج ۱، ص ۱۸۲، حدیث اول. «کتاب التوحید»، باب ۱، «نهج السعادة»، ج ۳، ص ۳۵۲. «عیون الحکم و المواعظ» تألیف سال ۴۵۷ (مصادر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۹۹).
۱۱. «الغارات» ج ۱ ص ۱۷۰. «اصول کافی» ج ۱ حدیث ۱. «کتاب التوحید» حدیث ۳۴ ص ۷۸.
۱۲. سید رضی خود این خطبه را، به شکل مرفوع، از نوف بکالی روایت کرده است (بدون منبع). ذکر راوی نخستین خود دلیل بر مستند بودن خطبه و داشتن منبع معتبر است، لیکن این خطبه و یا بخشی از آن، در منابع پیش از تألیف نهج البلاغه تاکنون یافت نشده است، و دو بخش از آن که در منابع پس از تألیف نهج البلاغه، دیده شده معلوم نیست از منبع یا منابع دیگری گرفته، بلکه احتمال دارد هر دو از نهج البلاغه نقل کرده باشند، اما سبک سخن و شیوه بیان، و محتوا و موضوع خطبه، از چه کسی جز از امیرالمؤمنین (ع) می تواند باشد؟ این قراین و نقل راوی نخستین سخن همه دلیل بر صحت و اعتبار این خطبه می باشد. آن دو منبع چنین است: ابن

الشاکر اللیثی، علی بن محمد بن شاکر المؤدّب، کتاب «عیون الحکم و المواعظ و ذخیره المتعظ و الواعظ». مجلسی در بحار (ج ۷۷/۳۱۰) از «لم یولد سبحانه فیکون فی الغزّ مشارکاً» تا «و اظلم بظلمته کل نور» (بخش ۲) را در «عیون الحکم» دیده است. زمخشری، جار الله محمود بن محمد، کتاب «ربیع الأبرار» باب التفاضل و التفاوت بخش آخر «أوه علی إخوانی» را نقل کرده است. (سید عبد الزهراء الحسینی، مصادر نهج البلاغه و اسانیده ۲/۲-۴۵۱)

### کتاب‌نامه

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲)؛ فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی؛ تهران: نشر علمی.
- ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۷۵)؛ ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)؛ لسان العرب؛ بیروت دار الاصدار.
- ابن فارس، احمد بن ذکریا (۱۴۰۴)؛ معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر.
- پایا، علی (۱۳۸۳)؛ فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم‌اندازها؛ تهران: طرح نو.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۴)؛ «الغارات»، با مقدمه و تعلیقات میرجلال‌الدین حسینی ارموی «محدث»، انجمن آثار ملی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶)؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد مهدی (۱۳۸۰)؛ پرتوی از نهج البلاغه؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سازمان چاپ و انتشارات، چاپ ۷.
- الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشیعه؛ بتصحیح و تحقیق عبدالرحیم الریانی الشیرازی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۸)؛ تفسیر سوره حماد؛ تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالشامیه.
- الذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۰ق)؛ تاریخ الإسلام؛ بتحقیق عمر عبد السلام تدمری؛ بیروت: دارالکتاب العربی.
- سرل، جان آر (۱۳۸۵)؛ افعال گفتاری، جستاری در فلسفه زبان؛ ترجمه محمدعلی عبداللهی؛ تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سید رضی (۴۰۶ق)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد مهدی جعفری؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

بررسی کنش‌های تحمیدی امام علی ... (محمد هادی امین ناجی و دیگران) ۲۷

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

العسکری، الحسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)؛ الفروق فی اللغة؛ بیروت: دارالافتاح الجدیدة.  
عبدالحکیم، سحالیة (۲۰۰۸)؛ التداولیة؛ جامعه بسکرة. مجله المخبر، أبحاث فی اللغة و الأدب الجزائری.

کاظمی، فروغ؛ سیده، جمشیدی (۱۳۹۵)؛ نظریه کنش‌های گفتاری در فارسی و انگلیسی؛ تهران: انتشارات داستان.

منتظری، حسینعلی (۱۳۸۳)؛ درس‌هایی از نهج البلاغه؛ تهران: سرایی.

المنقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۳)، وقعه صفین، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه المرعشی النجفی.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)؛ دانش‌نامه امیرالمؤمنین «علیه السلام» بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ؛ قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)؛ پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة.

ابن ابی الحدید (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیة، مصر.

#### مقاله‌ها

ایوکی، علی نجفی؛ رسول‌نیا، امیرحسین؛ کاوه نوش‌آبادی، علیرضا، (۱۳۹۶)، تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل؛ فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، سال پنجم - شماره ۱۹ - پاییز.

حسینی معصوم، سید محمد و رادمرد، عبدالله (۱۳۹۴)؛ تأثیر یافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنشهای گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، ش ۳.

رفعت، محسن؛ مسعودیان، مصطفی؛ (۱۳۹۸)، رفتارشناسی رهبری اخلاق‌مدارانه امام علی (ع) در جنگ در پرتو آموزه‌های نهج البلاغه (مطالعه موردی: جنگ صفین)، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۱۰، ش ۱۹، بهار و تابستان.

مبلغ، نرگس سادات؛ دلشاد تهرانی؛ مصطفی؛ (۱۳۹۶)، تحلیل شخصیت معاویه بر اساس گزارش‌های تاریخی حکومت او، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، ش ۱، بهار و تابستان.